

نقد و بررسی درس‌نامه‌های متون ادبی - تاریخی

هادی یآوری*

چکیده

درس‌نامه‌های متن‌محور بخش مهمی از کتاب‌های آموزشی رشته زبان و ادبیات فارسی را تشکیل می‌دهند و با توجه به این‌که پیوندهای اولیه دانشجویان با متون بر مبنای این درس‌نامه‌ها شکل می‌گیرد، که عمدتاً گزیده‌هایی از متون مفصل‌ترند، مسائلی مانند چگونگی تنظیم سرفصل‌های پیش‌نهادی مصوب، نحوه تألیف، کیفیت و کمیت این درس‌نامه‌ها در حوزه طرح مسائل نظری، گزینش متن، و کم‌وکیف توضیحات و فهرست‌ها و ضمایم آن در امر آموزش بسیار مهم‌اند. مقاله حاضر سرفصل‌های مربوط به درس‌های ادبی - تاریخی (در سرفصل قدیم: تاریخ بیهقی و تاریخ جهانگشای جوینی) و مهم‌ترین درس‌نامه‌های تألیفی این دو رشته زبان و ادبیات فارسی مرور می‌کند و علاوه بر نقد و بررسی این درس‌نامه‌ها و برشمردن نقاط قوت و ضعف آن‌ها، درخصوص دو سرفصل مرتبط با متون ادبی - تاریخی در سرفصل تازه مصوب دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی پیش‌نهادهایی مبنی بر تغییر عنوان و محتوای آن‌ها ارائه می‌کند.

کلیدواژه‌ها: تاریخ بیهقی، تاریخ جهانگشای جوینی، درس‌نامه‌های متون ادبی - تاریخی، سرفصل کارشناسی زبان و ادبیات فارسی.

۱. مقدمه

درخصوص ضرورت وجودی برخی متون تاریخی که از نظر زبانی و بیانی و خصلت‌های روایی برجستگی‌های ادبی دارند در برنامه آموزشی رشته زبان و ادبیات فارسی نیاز به بحث چندانی نیست. مدت‌هاست متونی مانند تاریخ بیهقی، تاریخ بلعمی، تاریخ جهانگشای

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه نیشابور، hadi.yavari@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۲۲

جوینی، *نقشه‌المصدر*، و برخی دیگر جای ثابتی در دل این برنامه یافته‌اند و دو مورد اخیر عرصه تمرین دانشجویان این رشته واقع شده‌اند.

در سرفصل مصوب سال ۱۳۶۶ (ص ۲۸) درخصوص هدف متون نثر ۱ (در دو قسمت تاریخ بلعمی و سفرنامه؛ و تاریخ بیهقی) آمده است: «[هدف این درس‌نامه] آشناکردن دانشجویان است به خصایص زبانی و دستوری و مضامین نثر دوره آغازی زبان فارسی». درخصوص تاریخ بلعمی و سفرنامه آمده است: «در این درس خصوصیات نثر دوره مذکور (دوره آغازین زبان فارسی) با ذکر نکات دستوری و لغوی بخش‌هایی از *تاریخ بلعمی* و *سفرنامه ناصر خسرو* تدریس می‌شود» و درخصوص تاریخ بیهقی: «در این درس نکات دستوری و جنبه‌های ادبی مخصوص به تاریخ‌نگاری که در *تاریخ بیهقی* موردتوجه قرار گرفته است بحث و بررسی و بخش‌هایی از این کتاب تدریس خواهد شد». جالب توجه است در زمانی که در همان سرفصل (ص ۲۹) برای درس *کشف‌الأسرار* (متون نثر ۲، قسمت دوم) آورده‌اند: «استادان این درس در مقدمه آن دانشجویان را به سیر و سابقه تفاسیر فارسی و مراحل تکاملی تفسیرنویسی در اسلام و ایران آشنا می‌کنند و به معرفی تفاسیر مهم فارسی و خصوصیات آن‌ها می‌پردازند». تدوین‌کنندگان آن سرفصل توجهی به جریان‌شناسی تاریخ‌نگاری ایرانی (تاریخ‌های ادبی) نداشته‌اند و خواسته‌اند هر اثر تاریخی چونان اثری مستقل بررسی شود و یا نهایتاً از منظر خصوصیات زبانی جای آن در نثر کهن فارسی نشان داده شود؛ این نحوه تعیین سرفصل طبیعتاً تأثیر خود را در درس‌نامه‌های متون تاریخی گذاشته است، اما نکته ظریفی که درخصوص تدریس *تاریخ بیهقی* یاد شده، یعنی توجه به «جنبه‌های ادبی مخصوص به تاریخ‌نگاری»، عملاً در کم‌تر درس‌نامه‌ای به آن توجه شده است و به نظر می‌رسد با توجه به مفاد سرفصل جدید متون ادبی - تاریخی می‌توان به سمت بحث درخصوص این «جنبه‌های ادبی مخصوص تاریخ‌نگاری» رفت.

درخصوص منابع اصلی این متون تاریخی نیز در صفحه ۶۵ سرفصل مصوب آمده است: «متن‌هایی از *تاریخ بلعمی*، تمام *سفرنامه ناصر خسرو*، متن‌هایی از *تاریخ بیهقی*». اهداف یادشده در سرفصل قدیم دوره کارشناسی ارشد، در درس تاریخ بیهقی و تاریخ جهانگشا نیز، بدون مشخص کردن میزان خاصی از متن برای مطالعه، ضمن اشاره‌ای به ارزش اجتماعی دو کتاب، عمدتاً ناظر بر درک دشواری‌های زبانی و بیانی و دستوری این دو اثر است.

در سرفصل جدید دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی در متون نثر متون تاریخی کم‌رنگ‌تر شده‌اند و در درس‌های اصلی دو واحد با عنوان «متون نثر ۱؛ متون

نثر تاریخی - ادبی با تأکید بر تاریخ بیهقی» وجود دارد (ص ۹)، اما مایه امیدواری است که از درس‌های اختیاری در زمینه متون درس تازه‌ای با عنوان «متون منتخب نثر ادبی - تاریخی» پیش‌نهاد شده است که، چنان‌که در بخش پایانی مقاله بدان بازخواهیم گشت، می‌تواند در کنار متون نثر ۱ حوزه مهمی از متون نثر ادبی را پوشش دهد. در ادامه بحث، با توجه به این‌که هنوز درس‌نامه‌ای براساس این سرفصل‌های تازه تدوین نشده است، کم‌وکیف درس‌نامه‌هایی را که براساس سرفصل پیشین تدوین شده‌اند بررسی می‌کنیم آن‌گاه به کیفیت تنظیم دو سرفصل تازه متون ادبی - تاریخی نگاهی انتقادی خواهیم داشت.

۲. درس‌نامه‌های مبتنی بر سرفصل قدیم

گزیده‌های متعددی از تاریخ‌های ادبی (عمدتاً تاریخ بیهقی و تاریخ جهانگشا) در سه یا چهار دهه پیش در دسترس بوده‌اند که یا با توجه به سرفصل قدیم تدوین شده‌اند یا استادان این درس‌ها از آن آثار برای تدریس بهره می‌برده‌اند. بنابراین آن آثار به چاپ‌های مکرر رسیده‌اند، ذیلاً به بررسی آن‌ها می‌پردازیم و از گزیده‌های تاریخ بیهقی شروع می‌کنیم: امروزه روی هم‌رفته بیش از بیست گزیده از تاریخ بیهقی در دست است که از آن میان (به ترتیب قدمت چاپ) این گزیده‌ها با استقبال بیش‌تری مواجه بوده‌اند: ۱. گزیده تاریخ بیهقی، به کوشش محمد دبیرسیاقی، چاپ اول ۱۳۴۸؛ ۲. گزیده تاریخ بیهقی، انتخاب و شرح نرگس روان‌پور، چاپ اول پاییز ۱۳۶۵؛ ۳. گزیده سخن پارسی ۶: تاریخ بیهقی، با معنی واژه‌ها و شرح جمله‌های دشوار و برخی نکته‌های دستوری و ادبی، به کوشش خلیل خطیب‌رهر، چاپ اول ۱۳۶۷؛ ۴. دیبای خسروانی، کوتاه‌شده تاریخ بیهقی، گزینش و گزارش از محمدجعفر یاحقی و مهدی سیدی، چاپ اول ۱۳۷۳؛ ۵. آشنایی با تاریخ بیهقی، تألیف رضا مصطفوی سبزواری، انتشارات سمت، ۱۳۸۶؛ ۶. تاریخ بیهقی آگزیده دانشگاه پیام‌نور، تألیف رضا مصطفوی سبزواری، چاپ اول ۱۳۸۷؛ ۷. دیبای زربفت، گزیده تاریخ بیهقی (هم‌راه با لوح فشرده قرائت متن گزیده)، انتخاب و توضیح محمدجعفر یاحقی و مهدی سیدی، چاپ اول ۱۳۸۹؛ ۸. تاریخ سلسله غزنویان، چکیده تاریخ بیهقی، گزینش و گزارش ابراهیم رنجبر و رامین محرمی، چاپ اول ۱۳۹۱؛ ۹. حدیث خداوندی و بندگی، تحلیل تاریخ بیهقی از دیدگاه ادبی، اجتماعی و روان‌شناختی، محمد دهقانی، چاپ اول ۱۳۹۴.

از متن تاریخ جهانگشای جوینی نیز با توجه به این‌که مربوط به دوره‌های تحصیلات تکمیلی است و در این دوره‌ها عمدتاً تأکید بر متن اصلی کتاب است این چهار درس‌نامه بررسی شدند: ۱. گزیده تاریخ جهانگشای جوینی به انتخاب و توضیح جعفر شعار از «مجموعه ادب فارسی» چاپ و نشر بنیاد، ۱۳۷۰؛ ۲. گزیده جهانگشای جوینی با معنی واژه‌ها و شرح جمله‌ها و ... به کوشش خلیل خطیب‌رهبر، انتشارات مهتاب، ۱۳۷۱؛ ۳. برگزیده و شرح تاریخ جهانگشای جوینی از مجید سرمدی و همکاران، انتشارات دانشگاه پیام‌نور؛ ۴. گزیده تاریخ جهانگشای جوینی با انتخاب و شرح احمد خاتمی، نشر علم، ۱۳۹۲.

۳. بررسی درس‌نامه‌ها

با توجه به ماهیت درس‌نامه‌ای کتاب‌های یادشده، صرف‌نظر از جنبه‌های عمدتاً صوری کیفیت چاپ و حروف‌چینی و صحافی و مانند آن، ارائه ارزیابی مجملی از آن‌ها با توجه به این جنبه‌ها ضرورت دارد: ۱. کیفیت مقدمات و طرح مسائل نظری؛ ۲. کمیت و کیفیت گزینش متن؛ ۳. متن مبنای گزینش؛ ۴. کم‌وکیف توضیحات؛ ۵. کم‌وکیف فهرست‌ها و ضمایم.

۱.۳ کیفیت مقدمات و طرح مسائل نظری

مطلوب‌ترین این درس‌نامه‌ها از این منظر، پس از گزیده نشر نی که در واقع به علت مخاطب مفروضش که طیف گسترده‌تری از دانش‌جویان زبان و ادب فارسی است، گزیده‌های انتشارات سخن و قطره است که، جز به‌روزبودن مطالب، تنوع مطالب و تفصیل بیش‌تری دارد. در دیگر گزیده‌ها عمدتاً مؤلفان زحمت زیادی به خود نداده‌اند و ایرادهای خرد و بزرگ بسیاری بر آن‌ها وارد است. مثلاً برخی از این درس‌نامه‌ها نگاهی شیفته‌وار به متن دارند و مشتمل بر احکامی مبالغه‌آمیز یا بی‌پایه‌اند، مثلاً: «او [بیهقی] دقیق‌ترین و درست‌ترین و در نتیجه معتبرترین متن تاریخی زبان فارسی را» پدید آورده و «خواننده را با روش‌های علمی و علت واقعی حوادث تاریخی» آشنا کرده است (مصطفوی سبزواری، ۱۳۸۶: ۲۸)؛ یا: «درحقیقت دیوان رسالت را در این دوره [دوره ریاست بوسهل زوزنی بر دیوان رسالت] او [ابوالفضل بیهقی] اداره می‌کرد» (همان: ۵) که این حکم دانسته نیست بر چه مبنایی ایراد شده است؛ در همین موضع مؤلف وقتی به معزول‌شدن و پس از چندی محبوس‌شدن

بیهقی اشاره می‌کند، نظم و نسق کلام به نحوی است که انگار عزل و حبس عامل مشترک یعنی دسته‌بندی‌های معمول درباریان آن زمان بوده است؛ حال آن‌که علت حبس آن‌چنان‌که عمدۀ پژوهش‌گران نیز به نقل از ابن‌فندق، هم‌ولایتی ابوالفضل بیهقی، آورده‌اند «مهر زنی» بوده است و به‌دستور غازی غزنی محبوس شده است (ابن‌فندق، ۱۳۶۱: ۱۷۷). یا در صفحه ۲۴ می‌گوید تاریخ بیهقی نوعی تفصیل مستحسن دارد: «نوعی اطناب که ما آن را اطناب ملیح نام نهاده‌ایم»، اما در صفحات بعد (ص ۳۸) می‌خوانیم: «از خصوصیات نثر بیهقی یکی این است که اضافه بر مطلوب، یک جمله نوشته نشده و توان گفت که الفاظ و معانی او موازی و مساوی است» و خواننده درمی‌ماند که سبک بیهقی اصطلاحاً سبکی مطناب است یا واجد صفت مساوات؛ و حکم قطعی مؤلف در صفحه ۴۵ که می‌خوانیم: «این نویسنده بزرگ ایران که بی‌شک توان‌مندترین آنان لااقل در سده‌های پیش از حمله مغول محسوب می‌شود»، باز نشان از شیفتگی وی به این اثر دارد.

مقدمۀ این درس‌نامه (گزیده سمت) و به‌نحوی کلیت کتاب که هم‌زمان با گزیده بیهقی چاپ پیام‌نور منتشر شده است (تاریخ چاپ نخست سمت ۱۳۸۶ است و تاریخ مقدمۀ مؤلف در گزیده پیام‌نور نیز ۱۳۸۶ است) ظاهراً دو تألیف مختصر و مفصل مصطفوی سبزواری‌اند که برخی ایرادهای مشترک دارند و در این میان مقدمۀ چاپ سمت مفصل‌تر و به همان میزان اشکالاتی بیش‌تر دارد. جدای تأثیرات شیفتگی مؤلف در تدوین مقدمه که به چند نمونه اشاره شد، در مقدمه برخی سهل‌انگاری‌ها دیده می‌شود که به‌نظر می‌رسد ناشی از تدوین شتاب‌ناک پاره‌های مقدمات باشد: گفتار ششم از مقدمۀ کتاب (صص ۴۵-۵۹) مشتمل بر برخی مقاله‌های انتشاریافته درباره تاریخ بیهقی است به همراه نقل کامل دو مقاله و در درج فهرست این مقالات اشکالات متعددی از قبیل اشتباه ثبت‌شدن نام نویسنده مقالات یا ثبت مکرر برخی مقالات (سه مورد) وجود دارد، ضمن این‌که بسیاری از مقالات برجستۀ بیهقی پژوهشی مغفول‌مانده‌اند^۱ و جست‌وجوی دقیقی برای معرفی مهم‌ترین مقالات منتشرشده وجود ندارد و مشخصاً از سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۶ که سال چاپ کتاب است فقط به دو مقاله خود نویسنده که در دانش‌نامه جهان اسلام منتشر شده است اشاره شده و لاغیر. ضمن این‌که در اقدامی نامعمول و در انتهای بخش مقدمات و معرفی تفصیلی ابوالفضل بیهقی و تاریخش، نویسنده با تمهید «آشنایی دانشجویان با نحوه تدوین و ارجاع و ذکر منابع در یک مقاله علمی» (همان: ۴۹) دو مقاله مسبوق‌الذکر خود را (مدخل‌های «تاریخ بیهقی» و «ابوالفضل بیهقی») چاپ‌شده در دانش‌نامه جهان اسلام در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ عیناً در صفحات ۵۱-۵۹ درج می‌کند

و مشخصاً مطالبی مکرر در معرفی ابوالفضل بیهقی و تاریخ بیهقی می‌آورد. این تفصیل نسبی را از آن رو آوردیم که درخصوص درس‌نامه‌های پیام‌نور و به‌ویژه سمت از آن‌جا که دولتی و دانشگاهی‌اند انتظاری فراتر می‌رود.

مطالب مقدماتی برخی از درس‌نامه‌های دیگر نیز مشحون از مطالب تکراری و نامنسجم و توأم با کم‌دقتی است؛ برجسته‌ترین مورد مقدمه‌گزیده‌نشر آیدین است که تقریباً رونویسی اطلاعات سبک‌شناسی بهار محسوب می‌شود و با افزودن اغلاط فراوان نقل شده است، مثلاً عنوان و ذی‌العنوان «استعمال لغات تازی» (بهار، ۱۳۷۳: ۸۵-۸۸) را به‌صورتی مغلوط آورده است: «استعمال لغات تازه» (رنجبر و محرمی، ۱۳۹۱: ۲۹-۳۱) و آن‌گاه پس از نقل مطالب ملک‌الشعرا در باب واژگان عربی بیهقی «برخی از واژگان و ترکیباتی را که به توسعه‌ی زبان فارسی کمک کرده‌اند»، و ظاهراً به همان عنوان استعمال لغات تازه مرتبط است، نقل کرده‌اند که قطعاً بسیاری از آن واژگان و ترکیبات (مانند پارینه، پایاب، خدایگان، زاستر، دشمنیگی، سپنج، سوزیان، ژکیدن، نوآیین، نوباوه، گوارش، گرزن، کفش‌گر، و ...) نیز منحصر در کاربرد بیهقی نبوده‌اند و در آثار هم‌عصر یا پیش از روزگار بیهقی نیز کاربرد داشته‌اند. در مورد برجسته‌ی دیگری نیز نویسندگان این درس‌نامه عیناً توضیحات و حدس و گمان‌هایی را که ملک‌الشعرا درخصوص اصطلاح «اسکدار» و تعبیرات مرتبط با آن، بردزده و حلقه‌برافکنده، در متن آورده در مقدمه‌گزیده (همان: ۲۶-۲۷) آورده‌اند و توضیحات پانوش ملک‌الشعرا را با اندک تصرفاتی (مانند تغییر «غلام پست» به «مأمور پست») در پانوشت درج کرده‌اند و بر این کار ایرادهای آشکاری مترتب است: اولاً، در متن و پانوشت کتاب سبک‌شناسی دو اشاره: «چنان‌که بعضی گمان کرده‌اند» (ص ۸۲) و «بعید نیست عقیده استاد درست باشد» (ص ۸۳، پانوشت) هست که به‌نظر می‌رسد مرجع این اشاره‌ها مصحح «نسخه طهران» یعنی ادیب پیشاوری باشد، اما در درس‌نامه تألیفی این ابهام بیش‌تر شده است، به‌واسطه‌ی این‌که متن و پانوشت بدون هیچ‌گونه توضیحی فقط با برخی تصرفات نابه‌جا نقل شده‌اند، به‌نحوی که آشکارا به‌نظر می‌رسد پانوشت نقل‌شده از قلم مؤلفان درس‌نامه است و اشاره‌ی پانوشت به «عقیده استاد» اشاره به ملک‌الشعرا بهار باشد و حال آن‌که این‌گونه نیست؛ ثانیاً، اظهارات ملک‌الشعرا بهار درخصوص زبان و بیان بیهقی و به‌ویژه درخصوص برخی استدراکات لغوی مربوط به حدود ۷۰ سال پیش از تألیف درس‌نامه ارائه‌شده است که این مؤلفان به آن‌ها مراجعه‌ای نداشته‌اند و مثلاً توضیحات احمدعلی رجایی را در باب «اسکدار» (۱۳۴۷: ۱۰۴-۱۱۱) نخوانده‌اند. ایرادهای مقدمه‌ی این درس‌نامه به این موارد محدود نمی‌شود.

از میان دیگر درس‌نامه‌ها، گزیده‌های دبیرسیاقی و خطیب‌رهبر و گزیده یاقتی و سیدی (چاپ جامی) مقدمه‌هایی کوتاه دارند، اما در حد خود مفیدند. مقدمه گزیده کازرونی به‌شیوه گزیده روان‌پور و «مجموعه ادب فارسی» تدوین شده است و در بخش «بیهقی‌نامه‌ها» (صص ۲۲-۳۳) به ارائه دیدگاه‌های برخی بیهقی‌پژوهان پرداخته است، اما خود گزیده نرگس روان‌پور، که پیش‌تر نقدی مفصل بر آن نوشته شده است (دبیران و برامکی، ۱۳۹۳)، از آن‌جا که براساس الگوی مجموعه ادب فارسی تدوین شده، مقدمه مفیدی دارد و افزون‌بر نقد مفصل یادشده، درخصوص مقدمه نظری آن مطلبی شایان ذکر است و آن این‌که اطلاعات بخش مقدمات و دیدگاه‌های کتاب بعد از چاپ نخست، یعنی ۱۳۶۵، با وجود چاپ‌های مکرر و حتی حروف‌چینی و ویراستاری مجدد، به‌روزرسانی محتوایی نشده است، حال آن‌که بیهقی‌پژوهی در ۳۰ سالی که از چاپ نخست این گزیده می‌گذرد کارنامه پرباری هم به‌لحاظ شروح و تصحیح متن و هم به‌لحاظ پژوهش‌های دیگر ادبی و تاریخی داشته است که جای گزارش آن‌ها در این مقدمات خالی است. مطالب مقدمه دیبای زربفت (گزیده انتشارات سخن)، با توجه به این‌که مؤلفان تجربه تصحیح کل کتاب را پشت‌سر گذاشته‌اند، مطالبی به‌روزتر و مفیدتر دارد و خالی از حشوها و اغلاط و تکرارهای ملال‌آور دیگر درس‌نامه‌هاست.

گزیده نشر نی (دهقانی، ۱۳۹۴) البته از حیث مقدمه بر دیگر درس‌نامه‌ها ترجیح دارد، چراکه اساساً بنای کار مؤلف بر تفصیل بوده است (۱۳۷ صفحه حجم مقدمات است) و مشتمل بر بخش‌های مفیدی از جمله «روش بیهقی در تاریخ‌نگاری»، «زن در تاریخ بیهقی»، «بلاغت بیهقی»، و مانند آن است که برخی از مطالب مفید این مقدمه (مانند بخش «حدیث خداوندی و بندگی») خود مقاله‌ای مستقل و البته راه‌گشا در مسیر شناخت تاریخ بیهقی‌اند. از دیگر بخش‌های مفید و متمایزکننده این گزیده بخش «تاریخ بیهقی در یک نگاه» است که در صفحات معدودی (۱۲۱-۱۳۴) مؤلف فشرده‌ای از وقایع گزارش شده در کتاب تاریخ بیهقی را به‌دقت ارائه می‌کند.

در میان گزیده‌های تاریخ جهانگشای جوینی نیز، مطابق گزیده تاریخ بیهقی، خطیب‌رهبر مقدمه بسیار مختصری نوشته است که چندان قابل‌اعتنا نیست. مقدمات در گزیده خاتمی (چاپ نشر علم) نیز بسیار قلیل و ناچیز است و به‌نظر می‌رسد مشخصاً هر دوی این مؤلفان لاقفل درخصوص گزیده متن تاریخ جهانگشای جوینی، با توجه به این‌که این‌ها در مقدمات، اهمیت چندانی برای اطلاعات درباره مؤلف و کتاب و سبک و دوران و مانند آن قائل نیستند و بر متن و واژگان تأکید دارند. کتاب برگزیده و شرح تاریخ جهانگشای جوینی

چاپ پیام‌نور نیز مقدمه‌ای بسیار کوتاه (هفت تا دوازده) دارد، اما همین مقدمه بسیار کوتاه از اغلاط تایپی و سهل‌انگاری‌ها و ایرادهای مفهومی مملو است. به این عبارت توجه بفرمایید:

عظام‌لک [کذا] در محیط ادبی اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم پرورش یافته بود به همین دلیل نثر او ادامه نثر بلبع [کذا] قرن ششم است. [نثر بلبع قرن ششم؟!]. زیرا ادبیات و علوم به تدریج به وجود می‌آیند به همین دلیل به تدریج هم از بین می‌روند. همان‌گونه که اعتلای هر کدام تدریجی است انحطاطشان نیز بطئی [کذا] است (سرمدی و همکاران، ۱۳۹۴: یازده).

کیفیت دیگر بخش‌های این درس‌نامه نیز هم‌سان با این مقدمات است.

۲.۳ کمیت و کیفیت گزینش متن

در مقابل حجم پیش‌نهادی خوانش متن در سرفصل جدید دوره کارشناسی برای تاریخ بیهقی، در سرفصل قدیم این درس حجم مشخصی پیش‌نهاد نشده است و مؤلفان درس‌نامه‌ها عمدتاً سعی داشته‌اند متناسب با اقتضای زمان معمول یک نیم‌سال تحصیلی هفده جلسه‌ای و گاه اقتضات بازار نشر و قیمت کاغذ حجمی از متن را گزینش کنند، اما تاریخ بیهقی به تصریح خود مؤلف و تأیید بیهقی‌پژوهان (مثلاً ← والدمن، ۱۳۷۵، به‌ویژه فصل سوم: «روش دبیری مورخ، تحلیلی از ساختار و محتوای تاریخ بیهقی») ساختاری سنجیده و حساب‌شده دارد و چنان است که مؤلف و رای‌ارائه روایت خطی مطالب، که در یک سطح معیار اصلی مورخ است، بسیاری از مواد تاریخی را به ما وعده می‌دهد که در جای خودش خواهد آورد. از این رو، هرگونه گزینش و حذف و یا جابه‌جایی پاره‌های متن اخلاقی در هدف بلاغی مؤلف ایجاد خواهد کرد.^۲ به‌نظر می‌رسد در این موقعیت ناگزیر، پس از گزینش پاره‌هایی از متن، نیاز باشد در مقدمات درس‌نامه بخشی به تبیین این موضوع اختصاص یابد.

اما گزیده‌های متعدد بیهقی چند روش در گزینش و گاه چینش پاره‌های متن اتخاذ کرده‌اند، عده‌ای تلاششان معطوف به ارائه کلیتی از تاریخ غزنویان و مشخصاً دوران مسعود بوده است (مانند گزیده نشر آیدین) و عده‌ای، به تصریح یا تلویح، هدف خود را ارائه پاره‌های متنوع و برجسته ادبی یا تاریخی متن قرار داده‌اند (مانند گزیده پیام‌نور و سمت و نشر مهتاب و تا حدی چاپ کتاب‌های جیبی و گزیده نشر نی) و گروه دیگری (مانند چاپ نشر قطره، نشر جامی، و نشر سخن) مشخصاً معیار گزینش خود را جامعیت مطالب توأم با

حفظ تسلسل موضوع و درعین حال گزینش زیباترین و ارزش مندترین پاره‌های متن اعلام کرده‌اند. در این میان، بعضی از مؤلفان در مقدمه یا در خلال متن با درج برخی پاره‌های تلخیص شده از متن سعی کرده‌اند انسجام متن حفظ شود. مثلاً در گزیده چاپ قطره و نی، پیش از هر پاره متن، سطوری معدود درج شده است که در آن به زمینه تاریخی ماجرا اشاره‌ای می‌شود. در گزیده‌های نشر نی و جامی و آیدین پاره‌های انتخابی چینشی تاریخی یا موضوعی یافته‌اند. پاره‌بندی نشر آیدین به متن انسجامی دوباره نبخشیده است، اما در گزیده نشر نی با تقسیم مطالب انتخابی به «روزگار غزنویان» و «از روزگاران گذشته» نظم تازه‌ای به مهم‌ترین اخبار تاریخی بیهقی داده شده است که با توجه به این که بیهقی از درج روایت‌های تاریخی دیگر (مانند اخبار خلفا و جز آن) در خلال روایت تاریخ غزنویان اغراضی ویژه داشته است، با این کار آن اغراض کاملاً فوت شده است، اما مؤلفان گزیده نشر جامی با یک بخش‌بندی شانزده گانه، و متناسب با جلسات یک نیم‌سال آموزشی، از مطالب متنوع تاریخی (هر بخش مشتمل بر دو تا هفت پاره از متن)، ضمن برخی جابه‌جایی روایات، عنوان‌هایی کلی بر هر بخش نهاده‌اند که مجموعاً سیر این عنوان‌های شانزده گانه چون فصولی از یک اثر منسجم، هم‌چون رمان، به نظر می‌رسد که از فروپاشی سامانیان شروع می‌شود و با امیری محمود و مسعود و اوج‌گیری قدرت غزنویان و فراز و فرود سلطنت مسعود و نهایتاً مرگ وی پایان می‌یابد. این بازچینی پاره‌ها با این که طبیعتاً نظم اولیه و موردنظر بیهقی را به هم زده است، اما انسجام تاریخی خوبی به متن بخشیده است.

با توجه به آن چه بیان شد، به نظر می‌رسد در عمل هرچه نظم اصلی روایت بیهقی (مشتمل بر مقدمه‌ها، فصل‌بندی‌ها، حکایات اصلی، حکایات فرعی، اشعار، نامه‌ها، و مانند آن) بیش‌تر حفظ شود، طبیعتاً متن بیش‌تر به نیت مؤلف نزدیک است. با این معیار نزدیک‌ترین درس نامه‌ها به متن اصلی دیبای زربفت است که پاره‌های کوتاه و بلند متعددی از متن را بدون برهم‌زدن نظم روایی متن اصلی ارائه کرده است و درعین حال از مفصل‌ترین گزیده‌هاست. این گزیده با این ویژگی‌ها زمانی می‌تواند به توفیق بیش‌تر از بابت انتقال روح کلی اثر برسد که در خلال این پاره‌های جداشده از متن اصلی توضیحاتی انسجام‌بخش، حتی مختصر، داشته باشد.

کم‌وکیف متن تاریخ جهانگشای جوینی چندان دشوار به نظر نمی‌رسد. هر جلد از مجلدات سه‌گانه متن مفصل تاریخ جهانگشا به گوشه‌ای از تاریخ عصر مغولان و مؤلف پرداخته است و انسجام پاره‌های متن آن، ضمن در نظر گرفتن پاره‌ای دقت نظرهای مؤلف در جلد نخست، در تدوین درس نامه‌ها و گزینش پاره‌های متن چندان لطمه‌ای به انتقال نیات

مؤلف نمی‌زند. ضمن این که قصد تدوین‌کنندگان سرفصل مرتبط با تاریخ جهانگشا، به قرینه هم‌راهی آن با متن *مرزبان‌نامه*، عمدتاً آشنایی دانشجویان با نثر فنی است تا مسئله‌ای دیگر.

گزینش در همه گزیده‌های چهارگانه از هر سه مجلد بوده است. در برگزیده پیام‌نور از ۸ پاره انتخابی، ۵ بخش از جلد نخست و تاریخ مغولان، ۲ بخش از جلد دوم و تاریخ خوارزمشاهیان، و ۱ بخش از جلد سوم و بخشی از *فتح‌نامه الموت* انتخاب شده است و مجموعاً مختصرترین گزیده‌هاست؛ با این‌که حجم آن کم‌تر از نصف کم‌حجم‌ترین گزیده‌های دیگر (یعنی چاپ نشر مهتاب) است، چنان‌که در بخش کیفیت توضیحات گزارش خواهد آمد، پراشکال‌ترین این درس‌نامه‌هاست. مؤلف گزیده نشر مهتاب ظاهراً تلاشش بر این بوده است که بخش‌هایی از تاریخ مغول را، که متنی فنی‌تر و دشوارتر دارد، بیاورد، اما برای «تنوع» «داستان تارابی و سرگذشت حسن صباح» را نیز آورده است (خطیب‌رهبر، ۱۳۷۱: پنج) و به‌رحال باز هم مدار کارش بر جلد نخست بوده است و پس از آن جلد دوم و آن‌گاه جلد سوم؛ یعنی فنی‌بودن نثر برای او اولویت بوده است، اما مؤلف گزیده چاپ و نشر بنیاد سعی کرده است گزینشی داشته باشد به‌گونه‌ای که «نمونه کاملی از کل کتاب باشد و خواننده را به ویژگی‌ها و ظرایف و لطایف و شیوه بیان و ارزش هنری اثر آشنا سازد» (شعار، ۱۳۷۰: ۱۸). از این رو، به‌علت تنوع مضامین و زبان در مجلدات سه‌گانه اصل تاریخ جهانگشا، گزیده یادشده بیش‌تر می‌تواند در آشناکردن دانشجویان با تاریخ جهانگشای جوینی توفیق یابد که منحصراً تاریخ مغول نیست و نیز نثرش منحصراً فنی نیست. در گزیده جهانگشای نشر علم گزینش بر «حفظ سیر تاریخی» و «حفظ مطالب مهم» و «جنبه‌های داستانی متن» متمرکز بوده است، اما درنهایت سهم جلد نخست بیش‌تر شده و جلد دوم کم‌تر و کم‌ترین میزان متن از جلد سوم انتخاب شده است و علت این امر را مؤلف با این بیان توجیه کرده است که در جلد اخیر «نویسنده گه‌گاه از مسیر پژوهش‌های علمی انحراف یافته و مطابق با ذوق حاکمان است» (خاتمی، ۱۳۹۲: ۵-۶)؛ پیداست که نتیجه گزینش با این معیار اگر نگوییم نوعی سانسور، لاقلاً نوعی از صافی نگاه شخصی گذراندن متنی کهن است و به‌رحال شناخت دانشجویان را خواه‌وناخواه جهت‌دار خواهد کرد، چراکه اولاً انتظار این‌که تاریخی در «مسیر پژوهش‌های علمی» باشد از یک متن تاریخی کهن انتظار معقولی نیست؛ ثانیاً، به‌نظر می‌رسد کلیت متن تاریخ جهانگشا «مطابق با ذوق حاکمان» بوده است و نه فقط جلد پایانی آن؛ ثالثاً، گزارش‌هایی که محتوی «امر شگفت» باشند و طبیعتاً از «مسیر پژوهش‌های علمی» خارج باشند در جلد نخست نیز کم نیستند (به‌ویژه در ضمن «خروج تارابی» که اتفاقاً جزء پاره‌های انتخابی گزیده موردبحث است).

۳.۳ متن مبنای گزینش

مهم‌ترین واسطه شناخت ما از متون کهن معمولاً مصححان این آثارند. درس‌نامه‌های ارائه‌شده از متون کهن نیز، با در نظر گرفتن برخی استثناها، عمدتاً بر مبنای متنی از پیش تصحیح‌شده ارائه می‌شوند. از این رو، این که درس‌نامه‌های تدوین‌شده بر مبنای کدام تصحیح انتقادی گزینش شده باشد اهمیت دارد و در برخی موارد می‌تواند به شناخت‌های متفاوتی منجر شود.

شایان ذکر است که متن‌های تاریخ بیهقی و تاریخ جهانگشای جوینی جزء متونی‌اند که پس از سال‌ها (جهانگشای جوینی پس از ۹۶ سال: ۱۹۱۱ م چاپ جلد اول تصحیح قزوینی و ۱۳۸۵ ش چاپ جلد اول تصحیح عباسی و مهرکی و تاریخ بیهقی پس از ۳۸ سال: ۱۳۵۰ چاپ اول تصحیح فیاض و ۱۳۸۸ چاپ اول تصحیح یاحقی - سیدی) بخت تصحیحی دوباره یافته‌اند؛ البته موضوع ارزیابی دقیق میزان توفیق این تصحیح‌های تازه در حوصله این مقاله نمی‌گنجد، اما مرور مختصر این تصحیح‌ها و تطبیق برخی مواضع متون قدیم و جدید نشان می‌دهد که برخی تغییرات قابل تأمل در تصحیح‌های تازه رخ داده است که در نظر گرفتن آن‌ها می‌تواند به شناخت متفاوتی از متن یا مؤلف بینجامد. مثلاً، پذیرش این موضوع که مصححان تاریخ بیهقی حکایت محبوس‌ی بزرجمهر را، که در تصحیح فیاض جزء متن بیهقی بوده است، الحاقی شمرده‌اند (یاحقی و سیدی، ۱۳۹۲ الف: ۷۶۴)، قطعاً شناخت متفاوتی از بیهقی در ذهن ما ایجاد خواهد کرد و یا تغییراتی که در تصحیح تازه در برخی تعبیرهای مشهور داستان حسنک وزیر پیش آورده است تصویرهای ذهنی ما را از زبان بیهقی و شخصیت‌های داستان او تغییر خواهد داد: این که در چاپ فیاض می‌خوانیم «مادر حسنک زنی بود سخت جگرآور» و در این تصحیح می‌خوانیم «مادر حسنک زنی بود سخت جگر» دو تعبیر متفاوت از تصویری مشهور در این داستان است و از این موارد در تصحیح تازه بیهقی بسیار می‌بینیم. در این باره گفتنی است، مشخصاً در دو درس‌نامه نشر قطره (صص ۵۴-۵۵) و انتشارات سمت (صص ۶۳-۶۴) قطعه آغازگر برخی نسخه‌های تاریخ بیهقی درج شده است که در چاپ‌های فیاض (فیاض، ۱۳۸۳: ۶۶۷) و یاحقی - سیدی (یاحقی و سیدی، ۱۳۹۲ الف: ۷۵۱-۷۵۲) به‌طور قطع الحاقی شمرده شده‌اند. مؤلفان این درس‌نامه‌ها، با وجود اذعان به مشکوک بودن این قطعه، صرفاً به علت توضیحات مفیدش در خصوص نامه «حشم تگیناباد» آن را در درس‌نامه درج کرده‌اند در صورتی که به راحتی می‌شد به جای آن قطعه الحاقی همان توضیحات از زبان مؤلف درس‌نامه در متن گنجانده شود.

در خصوص تصحیح تازه تاریخ جهانگشا نیز با توجه به نسخه‌های در دسترس مصححان باید گفت که بخش قابل توجهی از مشکلات تصحیح متن، اعم از اعلام و تعبیرات و ترکیبات و به‌ویژه اشعار عربی، برطرف شده است و از این رو، با چشم‌پوشی از برخی ایرادهای مطبعی و جز آن، ارتباط با متن سهل‌تر شده است.

از این منظر انتظار می‌رود که مؤلفان این درس‌نامه‌ها لاقلاً گوشه‌چشمی به این تصحیح‌های تازه داشته باشند. چنان‌که دبیرسیاقی، مؤلف‌گزیده تاریخ بیهقی چاپ کتاب‌های جیبی، به فاصله سه سال از چاپ نخست این‌گزیده (۱۳۴۸) و یک سال پس از تصحیح تازه تاریخ بیهقی (فیاض، ۱۳۵۰)، در یادداشتی کوتاه در آغاز چاپ دوم می‌گوید: «در این‌گزیده برحسب آن چاپ که از انتشارات دانشگاه مشهد است تغییرات مفید دادیم» (دبیرسیاقی، ۱۳۶۹: ۲۵). این نگاه در میان‌گزیده‌های دیگری که ما بررسی کردیم فقط در‌گزیده نشر نی لحاظ شده است، چنان‌که در مقدمه مؤلف آورده است:

کوشیده‌ام براساس دو چاپ معتبر تاریخ بیهقی، یعنی نسخه‌های فیاض و یاحقی و سیدی [...]، جوانب مهم کار بیهقی را به‌لحاظ تاریخی و ادبی بررسی و تحلیل کنم (دهقانی، ۱۳۹۴: ۳).

دیگر مؤلفان در قیدحیات درس‌نامه‌ها یا ناشران آن‌ها، جز‌گزیده انتشارات سخن که خود مؤلفان مصححان ویرایش تازه بوده‌اند و طبیعتاً بر مبنای تصحیح تازه درس‌نامه تازه‌ای پس از‌گزیده نشر جامی ترتیب داده‌اند، در چاپ‌های تازه ارائه‌شده از‌گزیده‌ها هیچ تلاشی برای تغییر متون نداشته‌اند. جالب توجه‌تر این‌که اساساً‌گزیده‌های بیهقی نشر آیدین و تاریخ جهانگشای جوینی نشر علم و انتشارات پیام‌نور همگی پس از انتشار تصحیح‌های تازه دو متن مورد بحث تدوین و تألیف شده‌اند، اما با این حال بر مبنای تصحیح‌های کهن تدوین شده‌اند و حتی اشاره‌ای به ویرایش‌های تازه دو متن ندارند. برای نمونه، ایراد شگفت و محتملاً مطبعی‌ای که در چاپ علامه قزوینی به جلد نخست صفحه ۱۵ راه یافته است («تتار را موضع اقامت و منشأ و مولد واد غیر ذی‌ذرع است» به جای «ذی‌ذرع» به قرینه آیه ۳۷ سوره ابراهیم و قرینه محتوایی جهانگشا که در سرزمین مغولان «همان درخت میوه‌دار بیش نروید و در بعضی کوه‌ها باشد و از افراط سرما چیزی دیگر نه» در همان صفحه از چاپ علامه قزوینی^۲) در‌گزیده‌های پیام‌نور (ص ۳۲) و نشر علم (ص ۴۱) عیناً راه یافته است و در تصحیح عباسی و مهرکی عین صورت قرآنی آن «واد غیر ذی‌ذرع» ثبت شده (جوینی، ۱۳۹۱: ج ۱، ۱۵) بدون آن‌که اشاره‌ای به اختلاف نسخ بیاید. یا در صفحه ۵ جلد

نخست چاپ علامه قزوینی تعبیر «روزبازار» با فاصله آمده است «روز بازار» (چنان که «قحط‌سال» نیز در همان موضع «قحط سال» درج شده) و در سطور پایین‌تر آمده است: «هر داهیه قرین هر داهیه» که در هر دو درس نامه یادشده (گزیده پیام‌نور صفحه ۴ و گزیده نشر علم صفحه ۳۵) عین همان تعبیرها درج شده است. حال آن‌که در تصحیح عباسی و مهرکی (ص ۵) آمده است: «در چنین زمانی که [...] روزبازار ضلالت و جهالت [...] هر داهیه‌ای قرین داهیه‌ای»؛ و باز مانند فقره پیشین، درخصوص حذف «هر» در تعبیر نام‌آنوس «هر داهیه» اشاره‌ای به هیچ اختلاف نسخه‌ای وجود ندارد؛ یعنی در چاپ علامه قزوینی احتمالاً خطای مطبعی رخ داده بوده است و درخصوص تعبیر «روزبازار»، که در فرهنگ سخن کاملاً بر «روز بازار» ترجیح داده شده است، نیز کم‌دقتی در حروف‌چینی و یا به قرینه ثبت با فاصله تعبیر معروف «قحط‌سال» به «قحط سال»، اساساً در دستور کار نبودن این ملاحظات، فاصله ایجاد کرده است.

۴.۳ کم‌وکیف توضیحات

کم‌وکیف توضیحات درس‌نامه‌های متنی مهم‌ترین بخش این درس‌نامه‌ها از نظر مخاطبان به‌شمار می‌آید و از طرفی از نظر کم‌وکیف ارائه معمولاً مورد اختلاف مؤلفان است. مبنای این اختلاف‌ها عموماً تلقی مؤلف و شارح از مخاطب فرضی توضیحات است. گروهی از شارحان در این مسیر برای برخی از ساده‌ترین واژگان و تعبیرها شرح و توضیح می‌آورند و گروهی دیگر، جز در موارد دشوار، دیگر واژگان و تعبیرات نسبتاً دشوار را توضیح نمی‌دهند. گروهی توضیحات واژگانی را در پانویس یا حاشیه هر صفحه می‌آورند و نگران تکرار معانی نیستند و گروهی سخت‌گیرانه‌تر معانی واژگان و اصطلاحات دشوار مکرر را تکرار نمی‌کنند و به بخش‌های پیشین و یا پسین شرح ارجاع می‌دهند، این گروه معمولاً توضیحات را انتهای بخشی از متن و یا انتهای کل متن و یا در قالب فهرست واژگان دشوار و مانند آن می‌آورند. این‌ها شیوه‌های گوناگون ارائه و شرح متن است که می‌توان یکی را بر دیگری ترجیح داد و پسندید. ما در بررسی خود تأکید را بیش‌تر بر کیفیت ارائه توضیحات گذاشته‌ایم. درخصوص کیفیت توضیحات برخی از این درس‌نامه‌ها نقد و نظرهایی منتشر شده است^۴ که از آن موارد چشم‌پوشی می‌کنیم و با توجه به مجال وسیعی که در نقد توضیحات این درس‌نامه‌ها هست، به برخی از این درس‌نامه‌ها اشاراتی داریم و مبنای ما در مواردی که بررسی جزئی شده است مروری بر شرح و توضیح نخستین بخش ارائه‌شده از هر متن بوده است.

موفق‌ترین درس‌نامه‌های بیهقی از منظر توضیحات گزیده‌های سخن و نی و در میان درس‌نامه‌های جهانگشا گزیده چاپ و نشر بنیاد است و گزیده انتشارات سخن به‌علت اشتغال بر توضیحات مفصل ادبی (۱۳۰ صفحه توضیحات ادبی معتبر با تکیه بر تعلیقات عام متن اصلی برای ۲۰۰ صفحه متن)، تاریخی، و جغرافیایی بر همه دیگر درس‌نامه‌ها ترجیح دارد. به دیگر درس‌نامه‌ها خرده‌هایی وارد است: توضیحات برخی از آن‌ها زیاده از حد مجمل است (مانند گزیده‌های کتاب‌های جیبی و جامی) و برخی به حد افراط توضیح واضحات دارند (به‌ویژه گزیده جهانگشای پیام‌نور^۶)؛ در توضیحات برخی از آن‌ها اغلاط چاپی و احیاناً محتوایی بیش‌تری راه یافته است (مثلاً گزیده بیهقی نشر زوار^۷، گزیده جهانگشای نشر علم^۸، و به‌ویژه گزیده جهانگشای چاپ پیام‌نور^۹).

۵.۳ کم‌وکیف فهرست‌ها و ضمایم

در مواجهه با متونی چون *تاریخ بیهقی* و *جهانگشای جوینی*، یکی از مهم‌ترین چالش‌های مصححان و مؤلفان درس‌نامه‌ها، پس از لغات و ترکیبات و عربیات، موضوع شناساندن اعلام تاریخی و جغرافیایی و پس از آن‌ها اصطلاحات دیوانی و درگاهی است؛ البته این موضوع بسیار بیش از درس‌نامه‌ها در متون اصلی حائز اهمیت است، اما وجود فهرست‌ها و ضمایمی از این دست در درس‌نامه‌های متون تاریخی نیز ضرورت دارد.

در میان درس‌نامه‌های بررسی‌شده، برخی از مؤلفان همه همت خود را مصروف و محدود به توضیحات میانه متن کرده‌اند و تألیفشان، به استثنای فهرست منابع، فاقد هرگونه فهرستی است. هر دو گزیده تاریخ بیهقی و جهانگشای خطیب‌رهبر و گزیده تاریخ بیهقی نشر زوار این‌گونه‌اند. به‌نظر می‌رسد همت اصلی مؤلفان این کتاب‌ها توضیح دشواری‌های زبانی، به‌ویژه واژگان دشوار و عربیات، است. گروه بیش‌تری از مؤلفان (گزیده‌های بیهقی جامی، آیدین، سمت، و پیام‌نور؛ و گزیده‌های جهانگشای نشر علم و پیام‌نور)، علاوه بر فهرست منابع و مآخذ، فهرست واژگان و تعبیرات دشوار شرح‌شده را نیز در بخش ضمایم گنجانده‌اند. کار این گروه از درس‌نامه‌ها در جهت همان باور گروه پیشین است که حل دشواری‌های زبانی مهم‌ترین هدف در این درس‌نامه‌هاست. در گزیده نشر نی، مؤلف جز نمایه شرح واژه‌ها نمایه نام‌ها (مشمول بر اعلام تاریخی و جغرافیایی) را نیز گنجانده است. ضمایم و فهرست‌های گزیده جهانگشای نشر قطره مشتمل بر فهرست اعلام تاریخی و جغرافیایی به‌صورت تفصیلی است، یعنی ذیل هر نام

توضیحات مفید و مناسبی در همان موضع برای آن نام به همراه نشان موضع ذکر آن نام در متن درس‌نامه درج شده است؛ بخش واژه‌نامه نیز به همین صورت تدوین شده: یعنی ذیل هر واژه دشوار که در فهرستی الفبایی ارائه شده معنای واژه به همراه نشانی کاربرد آن واژه در متن درس‌نامه نیز ثبت شده است. با این‌که فهرست‌های گزیدهٔ بیهقی نشر قطره در مجموعه‌ای مشترک با گزیدهٔ جهانگشای پیش‌گفته یعنی «مجموعهٔ ادب فارسی» تدوین شده است، اما فقط شامل فهرست واژگان با قید صفحهٔ نشانی کاربرد واژه است بدون هیچ‌گونه توضیح و فهرستی مختصر از اصطلاحات دیوانی با نشانی کاربردش در درس‌نامه و فهرستی با عنوان نام‌نامه که در آن نام کسان و جای‌ها و قبیله‌ها و سلسله‌ها و لقب‌ها با نشان کاربرد آن‌ها در درس‌نامه آمده باشد. این سه فهرست کوتاه که مجموعاً به بیست صفحه هم بالغ نمی‌شود بسیار کاربردی و سودمند افتاده است، اما در میان همهٔ این درس‌نامه‌ها دو مورد از نظر غنای فهرست‌ها در مقایسه با دیگر آثار متمایزند که اتفاقاً قدیمی‌ترین و تقریباً تازه‌ترین این درس‌نامه‌ها هستند: *گزیدهٔ تاریخ بیهقی* دبیرسیاقتی و *گزیدهٔ تاریخ بیهقی* یاحقی و سیدی (چاپ سخن). دبیرسیاقتی نخست فهرست الفبایی و توضیحات نام‌های کسان و جای‌ها و سپس، فهرست آیات قرآنی و کلمات و اشعار عربی و آن‌گاه واژه‌نامه‌ای الفبایی به همراه توضیحاتی مختصر و سودمند ارائه کرده است، اما در درس‌نامهٔ بیهقی چاپ سخن ۱۰۰ صفحه از حجم حدوداً ۵۰۰ صفحه‌ای کتاب به فهرست‌های تفصیلی تاریخی (اشخاص، اقوام، و دودمان‌ها)، جغرافیایی، و راه‌نمای توضیحات ادبی اختصاص داده شده است و از این نظر تفصیلی‌ترین و البته به‌واسطهٔ اتکای ضمایم مفصل چاپ اصلی معتبرترین ضمایم را دارد. ضمیمهٔ دیگری که این درس‌نامه را از دیگر آثار مشابه متمایز می‌کند لوح فشرده‌ای است که حاوی فایل صوتی متن درس‌نامه است و با وجود ایرادها و اشکال‌هایی که در قرائت متن وجود دارد و ظاهراً تحت نظر و اشراف مؤلفان و مصححان تاریخ بیهقی اجرا نشده است، اما باز برای متن دشوارخوانی چون *تاریخ بیهقی*، که البته ساده می‌نماید، بسیار مفید است. قرائت دوباره‌ای از این درس‌نامه، به‌شکلی که تلفظ واژگان و به‌ویژه اعلام دقیق‌تر باشد، کمک بزرگی به مخاطبان این درس‌نامه است.

وقتی سخن از تاریخ قدیم است، جغرافیای تاریخی اهمیت بسیار می‌یابد و وجود نقشه‌ای از آن جغرافیای تاریخی که موضوع متن کهن است می‌تواند راه‌نمای بسیار خوبی برای درک مکانی در تاریخ قدیم باشد. از میان این درس‌نامه‌های متعدد فقط دو متن از

چنین نقشه‌ای سود جسته‌اند: گزیده بیهقی نشر جامی و گزیده بیهقی نشر نی، که این مورد اخیر با درج نقشه سیاسی نسبتاً بزرگی از ایران و کشورهای همسایه‌اش به همراه برخی نام‌های تاریخی شهرهای خراسان و ماوراءالنهر قدیم، و درج پاره‌های مرتبطی از این نقشه در حواشی پاره‌های متن، درک موقعیت‌های تاریخی و جغرافیایی قدیم را برای مخاطبان بسیار آسان کرده است.

۴. نقد سرفصل‌های تازه

نخست باید گفت هر مقدار سرفصل مصوب درس‌های ادبی - تاریخی دهه شصت مجمل و در عین اجمال متن محور بود، در سرفصل مصوب دهه نود هم هدف و هم حجم متن گسترده‌تر در نظر گرفته شده است: تغییر مهم و مثبت روی داده در اهداف تعیین شده برای درس متون نثر ۱ تأکید بر «شناخت سیر تحول تاریخ‌نویسی فارسی» است، هرچند ایرادهایی آشکار هم در جزئیات سرفصل، که ذیلاً ارائه می‌شود، دیده می‌شود:

۱. کلیات: تاریخ‌نویسی به زبان فارسی، متون عمده تاریخی، شیوه‌های تاریخ‌نگاری، سیر تحول آن، و ... ؛

۲. مهم‌ترین متون تاریخی به زبان فارسی مانند: تاریخ بلعمی، تاریخ بیهقی (مسعودی)، *مراقه‌الصدور* [کذا! و منظور *راحة‌الصدور* است]، *تاریخ جهانگشا*، و *سیرت جلال‌الدین منکبرنی*؛

۳. بیهقی و تاریخ تولد، وفات، حواث زندگی، و آثار او؛

۴. *تاریخ بیهقی* (مسعودی)، ارزش ادبی و تاریخی آن، فواید جامعه‌شناختی، شیوه تاریخ‌نگاری، و جایگاه و تأثیر آن در ادب فارسی؛

۵. تدریس و رفع اشکال دست‌کم یک‌سوم *تاریخ بیهقی* و بخش‌هایی از *تاریخ بلعمی*، *جهانگشای جوینی*، *سیرت جلال‌الدین منکبرنی* [و نه ترجمه آن]؛

۶. معرفی و نقد منابع (سرفصل جدید دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، ص ۴۹).

در معرفی سرفصل جز هم‌پوشانی‌های آشکاری که وجود دارد (مانند تأکید بر «متون عمده تاریخی» که در شماره ۱ آمده و در شماره ۲ دوباره از «مهم‌ترین متون تاریخی» یاد شده است) مهم‌ترین ایرادی که به نظر می‌رسد گستردگی آن است. ظاهراً در تنظیم آن، با توجه به این که در سرفصل کلی کارشناسی واحد مربوط به *تاریخ بلعمی* گنجانده نشده

است، تصمیم بر این قرار گرفته که جبران مافات شود و حجم مواد و مطالب به‌ویژه متن هرچه گسترده‌تر اختیار شود: «دست‌کم یک‌سوم تاریخ بیهقی و بخش‌هایی از تاریخ بلعمی، جهانگشای جوینی، سیرت جلال‌الدین منکیرنی»؛ آشکار است که با توجه به این دستورالعمل اگر درس‌نامه‌ای تنظیم شود، حجم آن لااقل باید به سه تا چهار برابر مفصل‌ترین گزیده‌های فعلی تاریخ بیهقی برسد. حجم مفصل‌ترین درس‌نامه‌های فعلی (گزیده انتشارات سخن) حدود ۵۰-۶۰ هزار واژه است و حجم متن کامل تاریخ بیهقی به تخمین ما ۲۶۰-۲۸۰ هزار واژه، یعنی درس‌نامه‌ای که بخواهد مطابق سرفصل جدید تنظیم و تألیف شود باید حدود دو برابر گزیده نشر سخن حجم داشته باشد. چنین حجمی از متن، البته با توجه به آن‌چه در بخش «کمیت و کیفیت گزینش متن» گفته شد، می‌تواند در انتقال روح متن و پیام پنهان در ساختار سنجیده کتاب مؤثرتر باشد، اما تجربه نشان داده است این کار چندان عملی نیست. مؤلفان گزیده نشر جامی که جزء درس‌نامه‌های موفق بوده است در ویرایش دوم این اثر، ضمن تقلیل حجم متن، از ضرورت این کار به‌علت «حوصله دانشجویان» و «فزونی قیمت کتاب» و «حال‌وروز متون مشابه» یاد کرده‌اند (یاحتی و سیدی، ۱۳۹۲ ب: ۷). مجموعاً حدود سه دهه تجربه مدرسان تاریخ بیهقی و تاریخ بلعمی و تاریخ جهانگشا، که در نحوه و میزان گزینش و تألیف گزیده‌هایی از این متون خود را نشان داده است، حاکی از آن است که حجم معقول و منطقی مقدمه، متن، و حواشی آن در گزیده این کتاب‌های تاریخی حدوداً به چه میزان است. خود این موضوع که پس از حدود چهار سال از تصویب این سرفصل درس‌نامه‌ای با چنین مشخصاتی تدوین نشده دال بر وجود این ایراد است.

افزون بر این، درخصوص امکان تحقق بخش دوم هدف سرفصل، یعنی «شناخت سیر تحول تاریخ‌نویسی فارسی»، از طریق خواندن چنان گزیده و درس‌نامه‌ای هم‌تردیدی جدی وجود دارد. به‌نظر می‌رسد اگر درس‌نامه‌ای با گزینش بخش‌هایی از تاریخ بلعمی و تاریخ بیهقی و تاریخ جهانگشا و سیرت جلال‌الدین تنظیم شود، از ره‌گذر خواندن آن عوض آن‌که درباره «سیر تحول تاریخ‌نویسی فارسی» شناختی حاصل شود، خواننده حداکثر به چشم‌اندازی از سیر تطور نثر تاریخی فارسی تا میانه قرن هفتم خواهد رسید و نه پیش‌تر. نکته نهایی این‌که اساساً بررسی «سیر تحول تاریخ‌نویسی فارسی»، در موقعیتی که متون تاریخی از تمامی گرایش‌های تازه‌تأسیس دوره کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی رخت بر بسته‌اند، برای دانشجویان دوره کارشناسی

این رشته چه ضرورت و اولویتی دارد؟ پس از بررسی سرفصل پیش‌نهادی دو واحد دیگری که برای مطالعه متون تاریخی پیش‌بینی شده است، پاسخی برای این سؤال‌های مقدر ارائه خواهد شد.

برای دو واحد دیگری که با عنوان «منتخب متون نثر ادبی - تاریخی» در جایگاه درس انتخابی (مندرج در صفحات ۱۴۴ و ۱۴۵ سرفصل جدید) قابل‌ارائه است، این اهداف بیان شده است: «آشنایی با متون ادبی - تاریخی، سیر تحول آن‌ها، و متون برجسته ادبی - تاریخی» و در تفصیل سرفصل نخست به «معرفی و نقد انواع متون ادبی - تاریخی و شیوه‌های تاریخ‌نگاری» پرداخته شده است آن‌گاه به «تدریس و رفع اشکال منتخبی از» ۲۴ منبع تاریخی و مانند آن (شامل سفرنامه و جغرافیای تاریخی) اشاره شده است، که از آن میان جز نام ترجمه تاریخ یمینی و ترجمه تاریخ بخارا، که با مسامحه تاریخ یمینی و تاریخ بخارا درج شده، دو کتاب دیگر مسلماً جزء متون ادبی - تاریخی نیستند: کتاب زندگی شگفت‌آور تیمور اساساً متنی عربی است که در دوران اخیر ترجمه شده است و اگر بنابر معرفی متون عربی مترجم باشد، برخی متون بسیار مهم و برجسته مانند تجارب‌الأمم و مانند آن اولویت دارند دیگری کتاب عالم‌آرای صفوی است که در واقع روایتی نقالی و هم‌ردیف داراب‌نامه‌ها و اسکندرنامه‌هاست و نه تاریخی.

با در نظر داشتن این مقدمات و با توجه به این واقعیت که تا زمانی که محوریت یک سرفصل درسی با یک اثر خاص (مانند تاریخ بیهقی) باشد عملاً آن متن متون دیگر را تحت‌الشعاع خود قرار خواهد داد، باید دانست که اگر قصد تنظیم‌کنندگان سرفصل رسیدن به نوعی جریان‌شناسی نثر تاریخی یا ادبی - تاریخی باشد، که با توجه به پیش‌بینی سرفصل درس متون منتخب ادبی - تاریخی (در ضمن دروس اختیاری)، این‌گونه به نظر می‌رسد، پسندیده و به‌جاست که:

۱. به جای «شناخت سیر تحول تاریخ‌نویسی فارسی» «شناخت جریان‌های ادبی - تاریخی» را در اولویت قرار دهند، چراکه دگرگونی و تحول سبک‌های تاریخ‌نویسی چندان به کار دانشجوی ادبیات نمی‌آید و آن‌چه می‌تواند سودمندتر باشد آشنایی با آن دسته از متونی است که پیوستگی بیش‌تری با ادبیات دارند تا تاریخ، چنان‌که از عنوان سرفصل هم برمی‌آید؛
۲. با توجه به این مقدمات پیش‌نهاد می‌شود که عنوان درس «متون نثر ۱» و «متون منتخب نثر ادبی - تاریخی» طوری تغییر کند که در راستای هم‌دیگر و تکمیل‌کننده هم

باشند، مثلاً «متون نثر ادبی - تاریخی ۱» و «متون نثر ادبی - تاریخی ۲» و مانند سرفصل فعلی هم‌پوشانی نداشته باشند؛

۳. هیچ اثری در مرکز توجه هیچ‌یک از این دو واحد درسی قرار نگیرد، چراکه تجربه نشان داده است که راه را بر دیگر آثار و کتاب‌ها می‌بندد (آن‌چنان‌که در درس تاریخ جهانگشا و مرزبان‌نامه دوره کارشناسی ارشد هم عمدتاً اتفاق می‌افتد)؛

۴. جریان‌های مهم ادبی - تاریخی محور گزینش متون قرار گیرد؛ مثلاً روایت‌های خاطره‌نگارانه - تاریخی مانند تاریخ بیهقی و نشئه‌المصنوع یا اسطوره‌ای - تاریخی مانند بخش‌هایی از تاریخ بلعمی و تاریخ سیستان یا روایت‌های افسانه‌ای - تاریخی مانند عالم‌آرای صفوی و دیگر جریان‌های برجسته ادبی - تاریخی.

۵. نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه بیان شد، یعنی ارزیابی درس‌نامه‌های فعلی متون ادبی - تاریخی، این نتیجه به دست می‌آید که در تدوین بسیاری از این درس‌نامه‌ها دقت چندانی صورت نمی‌گیرد و عمدتاً این متون کاستی‌های اندک و بسیار دارند. بیش‌تر مؤلفان این درس‌نامه‌ها با وجود تصریح سرفصل مصوب وزارتی چندان توجهی به مسائل نظری، به‌ویژه آنچه سرفصل قدیم درس تاریخ بیهقی بدان تصریح کرده یعنی «جنبه‌های ادبی مخصوص به تاریخ‌نگاری»، نداشته‌اند. درخصوص کیفیت گزینش و چینش متن نیز عموم مؤلفان از ساختار و پاره‌بندی حساب‌شده تاریخ بیهقی غافل بوده‌اند؛ جز دو سه مورد استثنا، اکثر مؤلفان این درس‌نامه‌ها درخصوص انتخاب معتبرترین و تازه‌ترین تصحیحات برای تألیف درس‌نامه و یا اعمال تغییرات در آن چندان توجهی نداشته‌اند؛ توضیحات برخی از این درس‌نامه‌ها گاه بسیار مغلوط و نابه‌سامان ارائه شده است و باز هم عمدتاً اهمیاتی درخصوص پیش‌بینی و ارائه ضمایمی چون فهرست و توضیحات اعلام تاریخی و جغرافیایی و دیوانی و نقشه‌های تاریخی و مانند آن نداشته‌اند، که ارائه آن‌ها برای متون تاریخی بسیار لازم است.

دو عنوان درس سرفصل تازه مصوب دوره کارشناسی در حوزه متون ادبی - تاریخی نیز به‌نظر خالی از اشکال نمی‌رسد و با توجه به ایرادهای مترتب بر آن پیش‌نهاد می‌شود که تغییراتی در نام و محتوای آن‌ها ایجاد شود تا، ضمن پرهیز از هم‌پوشانی دو عنوان درس، دانشجویان از طریق آن سرفصل‌ها به‌جای آشنایی با سیر تاریخ‌نگاری ایرانی با نوعی جریان‌شناسی متون ادبی - تاریخی آشنا شوند.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای نمونه می‌توان به پورتال جامع علوم انسانی مراجعه کرد که با جست‌وجوی کلیدواژه تاریخ بیهقی، ذیل مقالات سال‌های یادشده، فهرستی مفصل خواهد آمد که بسیاری از آن‌ها مقالات قابل توجهی‌اند که مستقیماً در پیوند با تاریخ بیهقی قرار دارند. ضمناً روشن نیست چرا مؤلف از معرفی کتاب‌های برجسته این حوزه تن زده است.
۲. البته موضوع ازین‌رفتن بسیاری از بخش‌های تاریخ بیهقی در همین حال نیز به انسجام و یک‌پارچگی اندیشیده‌شده این متن خلل جدی وارد کرده است، اما به‌هرحال در همین بخش تاریخ مسعودی نیز که به‌جا مانده است این انسجام کاملاً قابل مشاهده است.
۳. یادباد خاطره کلاس‌های استاد بزرگوار عباس ماهیار در دانشگاه تربیت معلم در سال ۱۳۷۸ که این تطابق‌نداشتن متن جهانگشا را با تعبیر مشهور قرآنی یادآور شدم و پرسیدم که: «ممکن است جوینی به‌عمد تصرفی کرده باشد؟» و ایشان به ضرس قاطع فرمودند: «اشتباه چاپی است و صحیح 'زرع' است». روانش شاد باد.
۴. مثلاً گزیده نشر قطره مستقلاً نقد و بررسی شده است (دبیران و برامکی، ۱۳۹۳) و گزیده نشر مهتاب نیز به‌واسطه نقدهای متعددی که بر شرح کامل خطیب‌رهبر بر تاریخ بیهقی نوشته شده (کتاب ماه ادبیات، تیر ۱۳۸۷، ش ۱۲۹، صص ۵۲-۶۲، مقاله کمال راموز) طبیعتاً نقد شده است.
۵. مثلاً در صفحات ۱۰-۱۴: «صفات: جمع صفت؛ موحد: خداپرست؛ سنه: سال؛ کریم: بخشنده؛ شامل: دربرگیرنده؛ بنی آدم: نسل بشر؛ روایات: روایت‌ها؛ منور: نورانی؛ و ...».
۶. که اغلاط تایپی و محتوایی متعددی در صفحات آغازین متن و توضیحات (۳۴-۴۰) دیده شد.
۷. که اغلاط تایپی فراوان دارد: در ۱۰ صفحه نخست متن و توضیحات (۲۸-۳۸) بیش از ۲۰ مورد اشتباه چاپی و جز آن دیده شد.
۸. در اولین پاره ارائه‌شده از متن جهانگشا یعنی بخشی از دیباچه که در صفحات ۱-۸ درس‌نامه آمده است ۲۲ غلط تایپی دیده شد و در ۹ صفحه نخست مربوط به توضیحات این بخش (صفحات ۹-۱۷) حدود ۲۵ ایراد چاپی و غیرچاپی دیده شد.

کتاب‌نامه

- ابن‌فندق، علی بن زید بیهقی (۱۳۶۱). تاریخ بیهقی، تصحیح احمد بهمنیار، تهران: کتاب‌فروشی فروغی.
- جوینی، عظاملک بن محمد بن محمد (۱۳۹۱). تاریخ جهانگشای جوینی، ۳ جلد، تصحیح و تعلیقات حبیب‌الله عباسی و ایرج مهرکی، تهران: زوار.
- حسینی کازرونی، سیداحمد (۱۳۸۳). گزیده تاریخ بیهقی، خزانه حجت، تهران: زوار.

- خاتمی، احمد (۱۳۹۲). *گزیده تاریخ جهانگشای جوینی*، تهران: علم.
- خطیب رهبر، خلیل (۱۳۷۱). *جهانگشای جوینی، چنگیز، تارابی، خوارزمشاه، حسن صباح، با معنی واژه‌ها و ...*، تهران: مهتاب.
- خطیب رهبر، خلیل (۱۳۷۳). *تاریخ بیهقی با معنی واژه‌ها و شرح ...*، تهران: مهتاب.
- دیران، حکیمه و اعظم برامکی (۱۳۹۳). «نقد کتاب *گزیده تاریخ بیهقی*»، در: *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، س ۱۴، ش ۳۰، خرداد و تیر.
- دیرسیاقی، محمد (۱۳۶۹). *گزیده تاریخ بیهقی*، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- دهقانی، محمد (۱۳۹۴). *حدیث خداوندی و بندگی، تحلیل تاریخ بیهقی از دیدگاه ...*، تهران: نشر نی.
- رجایی بخارایی، احمدعلی (۱۳۴۷). «نقش آداب و رسوم عامه در حل مشکلات ادبی»، در *مجله دانشکده ادبیات مشهد*، س ۴، ش ۱۳ و ۱۴، بهار و تابستان.
- رنجبر، ابراهیم و رامین محرمی (۱۳۹۱). *تاریخ سلسله غزنویان، چکیده تاریخ بیهقی*، تبریز: آیدین.
- روان‌پور، نرگس (۱۳۹۱). *گزیده تاریخ بیهقی*، تهران: قطره.
- سرمدی، مجید، علی میرزایی، و نرگس محمدی‌بدر (۱۳۹۴). *برگزیده و شرح تاریخ جهانگشای جوینی*، تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- شعار، جعفر (۱۳۷۰). *گزیده تاریخ جهانگشای جوینی*، تهران: چاپ و نشر بنیاد.
- فیاض، علی‌اکبر (مصحح) (۱۳۸۳). *تاریخ بیهقی*، تصنیف خواجه ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی دبیر، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- مصطفوی سبزواری، رضا (۱۳۸۶). *آشنایی با تاریخ بیهقی*، تهران: سمت.
- مصطفوی سبزواری، رضا (۱۳۸۹). *تاریخ بیهقی*، گزیده، تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- والدمن، مریلین (۱۳۷۵). *زمانه، زندگی و کارنامه بیهقی*، ترجمه منصوره اتحادیه (نظام‌مافی)، تهران: تاریخ ایران.
- یاحقی، محمدجعفر و مهدی سیدی (۱۳۸۹). *دیبای زریفت، گزیده تاریخ بیهقی*، تهران: سخن.
- یاحقی، محمدجعفر و مهدی سیدی (مصححان) (۱۳۹۲ الف). *تاریخ بیهقی*، تألیف ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی، ج ۲، تهران: سخن.
- یاحقی، محمدجعفر و مهدی سیدی (۱۳۹۲ ب). *دیبای خسروانی، کوتاه‌شده تاریخ بیهقی*، تهران: جامی.